

امام (ره) و سینما

□ مهرداد فرید

مقدمه: در حالی وارد فصل پانز شدیم، که مصادف بود با ایام بزرگداشت یکصدمین سال تولد امام خمینی (ره) معمار کبیر انقلاب اسلامی ایران. شخصیتی که پر نفوذترین و مؤثرترین فرد در تاریخ معاصر مسلمانان و به خصوص مردم ایران بوده است.

انقلاب اسلامی نقطه تحول اساسی و عطف تاریخ ملت ایران به حساب می آید. زیرابا وقوع آن همه چیز دگرگونی اساسی یافت. این دگرگونی صرفاً در ارکان حکومت و دولت نبود، بلکه دامنه آن به تمامی نهادهای اجتماعی و ارزش های حاکم در جامعه گسترش یافت. سینما نیز به عنوان یک پدیده اجتماعی با وقوع انقلاب اسلامی، دستخوش تحولات اساسی شد. اینک که در سال امام خمینی (ره) قرار گرفته ایم، شاید مرور دوباره دیدگاه های ایشان در خصوص سینما، بتواند برای نسل جوان کشورمان که به اقتضای سن، درک مستقیمی از دوران رهبری امام (ره) نداشته اند، مفید باشد.

امام و سینمای پیش از انقلاب: بررسی وضعیت سینمای ایران در دوران پیش از انقلاب، همیشه محل مناقشه کسانی بوده که با دیدگاه انتقادی پدیده های اجتماعی را بررسی می کنند. امام نیز به عنوان رهبر سیاسی، دینی و فرهنگی نهضت مردم ایران، نسبت به کلیت سینمای پیش از انقلاب دیدگاه انتقادی داشتند. ایشان سینمای پیش از انقلاب را یکی از ابزار مؤثر استعمار و استثمار به شمار می آوردند و بارها در خطابه ها، مصاحبه ها و اعلامیه ها آن را وسیله ای برای تحمیق و تخدیر جوانان معرفی می کردند:

«رژیم شاه این تأسیسات را برای تخریب اقتصاد و فرهنگ کشور در حد افراط مورد استفاده قرار داده است... سینماها کارشان از بین بردن روحیه مقاومت در نسل جوان کشور بوده است.» (۵۷/۸/۱۶)

بر اساس چنین تحلیلی، امام سینمای پیش از انقلاب را از دایره شمول فرهنگ و اقتصاد خارج می‌دانستند و معتقد بودند که آن سینما اصلاً حیثیت ضد فرهنگی دارد:

«این فسادهایی که در ایران هست، این‌ها را جزء فرهنگ حساب می‌کنند! (این) سینماها جزء فرهنگ است؟! این‌ها از ثبات فرهنگ است؟! کدام سینماها؟ همین‌هایی که همه جوان‌ها، نیروی جوان ما را از بین برده است. یعنی جوایش کرده، همچو فلجش کرده که هر چه واقع بشود به نظر او چیزی نیست. او مشغول عیش و عشرتش باشد کافی است.» (۵۷/۶/۲۹)

از همین رو ایشان هر گاه در سخنانشان بادی از سینمای رژیم شاه می‌کردند، بلافاصله آن را در ردیف مراکز فساد و فحشا قرار می‌دادند:

«...نه این که سینما بیرونند، دانش بیرونند و...» (۵۷/۱۱/۳) «این سینماهایی که در زمان ایشان مشغول فعالیت بودند، این مراکز فحشایی که این‌ها درست کردند،...» (۵۷/۱۱/۱)

امام سینمای پیش از انقلاب را حتی بدتر از فحشا می‌دانستند و آن را به عنوان یک تخدیر کننده معرفی می‌کردند. درست مثل مواد مخدر:

«...این قوه فعاله وقتی که مبتلای به هروئین بشود، مبتلای به مشروبات بشود، حادث کند که به سینما برود، به سینمای کذایی حادث کند به این مرکزهای فحشا...» (۵۸/۱۰/۳)

بنابراین ترویج آن سینما را از اهداف سیاسی رژیم گذشته می‌دانستند و معتقد بودند که سینما در کنار سایر هنرهای آن روز با مقاصد سوء سیاسی شاه همخوان بوده است:

«سینماهای آن روز، تئاترهای آن روز، هنرهای آن روز، این‌ها همه دست به دست هم داده بودند که اسلام را از این جایی بیرون کنند و آمریکا را وارد کنند...» (۶۱/۹/۲۸) «تمام این هاروی یک نقشه حساب شده برای این بود که این کشور را از آدم خالی کنند. از یک انسانی که بتواند... در مقابل بایستد... این‌ها دیگر (مخاطبان سینما) نمی‌توانستند فکر کنند که کشورشان به چه احتیاج دارد. کی دار دکلاه سرشان می‌گذارد. اصلاً همچو فکری در آن‌ها نمی‌آید...» (۵۸/۲/۱۴) «شاه تمام آثار تمدن را به صورت فاسد کننده در آورد. سینما به صورت ترویج فساد شد...» (۵۷/۱۱/۳) «...از آن‌ها بدتر سینماها و رادیو و تلویزیون بود که با برنامه‌های خود، ملت را به حد و افرد آغوش غرب و غرب زده‌ها غلتانید و ضررهای رسانه‌های گروهی از خرابی‌های توپ و تانک‌ها و سلاح‌های مخرب بالاتر بود تراست.» (۶۳/۱۱/۲۲)

امام و ماهیت سینما: اگر چه در اغلب فرمایشات امام سینمای ایران پیش از انقلاب، وضعیت منفی دارد اما با این حال امام وجود استثناها را در آن سینما متفی نمی‌داند. مثلاً ایشان فیلم گاو، از ساخته‌های داریوش مهرجویی در آن دوران را ستوده‌اند:

«...فیلم گاو آموزنده بود...» (۵۲/۲/۲۳)

یا در جایی دیگر که سینمای آن دوران را با مراکز فحشا یکی دانسته‌اند از لفظ «تقریباً» استفاده کرده‌اند که نشان دهنده آن است که ضمن مذموم دانستن کلیت سینمای آن دوران، احتمال وجود استثناهایی را متفی ندانسته‌اند:

«سینما که یکی از مراکز آموزشی است در دنیا،... سینماها را مراکز فحشا، تقریباً قرار دادند.» (۵۷/۱۲/۱۶)

با تکیه بر همین فراز و سخنان دیگر امام می‌توان حدس زد، ایشان ماهیت سینما را شوم و ذات آن را نفسانی نمی‌دانستند، بلکه معتقد بودند که سیاست‌های رژیم گذشته آن را به ابتذال کشیده بود و

در صورت وجود سیستم سالم می‌توان از آن به نفع مصالح مردم استفاده کرد:

«سینما برای این مقاصد شومی که این‌ها در این مدت طولانی طرح ریزی کردند، نبوده... سینما یک دستگاه آموزشی است. باید دستگاه‌ها را به طور مسالمت به طور صحیح، به طور مستقیم اداره کرد.» (۵۸/۱/۵)

پس تصور آن عده از اندیشمندان معاصر ایرانی که سینما را ماهیتاً مذموم و متأثر از فرهنگ نفسانی غرب می‌دانند، با تصور امام از سینما متضاد و مغایر است. و اتفاقاً از دیدگاه امام سینما چون از مظاهر تجدد و تمدن است می‌تواند در خدمت مردم باشد:

«ما با سینما مخالف نیستیم، ما با مرکز فحشا مخالفیم... ما با آن چیزی که در خدمت اجانب برای عقب‌نگه داشتن جوانان ما و از دست دادن نیروی انسانی ماست، با آن مخالفیم. ما کی مخالفت کردیم با تجدد؟!... مظاهر تجدد وقتی که از اروپا پیش‌رادر شرق گذاشت، خصوصاً در ایران، مرکز چیزی که باید از آن استفاده تمدن‌بکنند ما را به توحش کشیده است. سینما یکی از مظاهر تمدن است که باید در خدمت این مردم، در خدمت تربیت این مردم باشد و شما می‌دانید که جوان‌های ما را این‌ها به تباهی کشیده‌اند.» (۵۷/۱۱/۱۲)

امام در جایی دیگر جهت‌گیری ماهیتی برای سینما قائل نشده‌اند، بلکه جهت‌گیری را منوط به نحوه استفاده از آن کرده‌اند:

«... مثلاً سینما، ممکن است که کسی در سینما نمایش‌هایی که می‌دهد، نمایش‌های اخلاقی باشد، نمایش‌های آموزنده باشد که آن را هیچ‌کس منع نکرده و اما سینمایی که برای فساد اخلاق جوان‌های ماست و اگر چند روز جوان‌های مادر این سینما‌هایی که در این عصر متعارف بود در زمان شاه متعارف است، اگر چند وقت یک جوان برود در آن‌جا، فاسد بیرون می‌آید، دیگر به درد نمی‌خورد. و این‌ها می‌خواهند همین بشود. یعنی تمام برنامه‌هایی که این‌ها درست کرده‌اند، استعماری است.» (۵۷/۱۰/۱)

امام (ره) و فرم سینما: در لابلای فرمایشات امام (ره) در خصوص سینما، می‌توان عبارت‌هایی را یافت که نشان می‌دهد ایشان به طور کلی معتقد به تحول در فرم سینما به عنوان یکی از مظاهر تمدن غرب بودند. هر چند شأن ایشان به عنوان رهبر یک انقلاب عظیم، اجلاً از تئوری‌پردازی در باب موضوع سینما بود، اما همین قدر باید دانست که ایشان از فرم‌های رایج در سینمای غرب رضایتی نداشتند:

«... سینما‌ها را اصلاح می‌کنیم. تمامی این‌ها به فرم اسلام باید باشد...» (۵۷/۱۲/۱۰)

عدم وجود فحشا در سینما یکی از دیدگاه‌های قطعی امام درباره سینما بود:

«... مقصود (آن‌ها) این است که باید سینما‌های ما با همان زن‌های لخت و با همان کارهای زشت باید بشود. البته اسلام با این‌ها مخالف است.» (۵۷/۱۲/۱۱)

البته ایشان وجود فحشا در سینما را مایه پوچی و از خود بیگانه شدن می‌دانستند:

«اسلام با هر چیزی که انسان را به پوچی و از خود بیگانه شدن می‌کشاند، مبارزه می‌کند. شراب‌خواری و مسی‌سازی در اسلام ممنوع است، قیلم‌های منحرف‌کننده از اخلاق متعالی انسان، ممنوع است.» (۵۷/۸/۱۸)

بر اساس دیدگاه ایشان، هنرمندان و سینماگران ایرانی می‌بایست در فرم مرسوم تجدیدنظر کنند و با استفاده از متد موجود در سینمای غرب آن را با فرهنگ اسلامی و ایرانی مزوج کنند و فرم جدیدی را به طور مستقل خلق کنند:

«... گمان می‌کنند که وقتی که در اروپا و تلویزیون مثلاً آمریکا یک جوری بود، انگلستان یک طوری بود، ما هم باید از آن‌ها تقلید بکنیم... ما خودمان باید در افکارمان در آرايمان مستقل باشیم...» (۵۸/۷/۲۹)

رسیدن به چنین فرم مستقلی البته راه پر مشقتی است که باید طی شود. راهی که پر از آزمون و

خطا، اما ثمربخش است:

«در رژیم سابق... کسی که نام سینما را می شنید خیال می کرد که آن جا باید مرکز فساد و سوء اخلاق و مرکز مخالفت با همه چیز باشد... ساختن تئاتری که مطابق با اخلاق انسانی - اسلامی باشد رحمت دارد و سینما هم اگر بخواهد چنین باشد نیازمند به صرف مدت ها وقت است و هرگز در متن سینما و تئاتر نوشته نشده است که باید مرکز فساد باشند.» ۶۲/۸/۱۷

امام (ره) و محتوای سینما: امام به عنوان یک رهبر انقلابی، ملی و مذهبی از سینما توقعاتی داشت که می تواند سرلوحه جهت گیری های محتوایی سینماگران باشد. دیدگاه های ایشان در این بخش ویژگی ایجابی دارد. هر چند اغلب سخنان به یادگار مانده از ایشان در خصوص سینمای ایران در ببحوجه انقلاب طرح شده و ویژگی سلبی دارد، اما در میان این سخنان می توان مطالبات ایشان را از سینما، شناسایی کرد. مطالباتی که به عنوان شاهراه هایی مطرح است که مریدان ایشان در سینما باید از آن عبور کنند.

«صلاح ملت» کلی ترین خواسته امام از سینماست:

«سینما ها در رژیم شاه در خدمت فساد بودند، در حالی که در جمهوری اسلامی باید در خدمت صلاح ملت باشد.»
(۵۷/۱۰/۲۱)

صلاح ملت چیزی است که سایر مطالبات امام از سینما در دل آن قرار می گیرد. از نظر امام هنرمندان باید: «...راه و روش زندگی شرافتمندانه و آزادمنشانه را با هنرها و نمایشنامه ها به ملت بیاموزند.»
(۶۳/۱۱/۲۲)

ایجاد خودآگاهی سیاسی و ترغیب جوانان به ورود در میدان سیاست از تقاضاهای دیگر امام از سینماست:

«این ها باید (سینما، مطبوعات) بچه های ما را رشد سیاسی بدهند و این ها را وارد میدان عمل سیاسی بکنند.»
۵۸/۴/۳۰

و این درست نقطه مقابل جو موجود در میان سینماگران است. متأسفانه گرایش غالب در سینمای پس از انقلاب، در فیلم ها و فیلم سازان پرهیز از سیاست و دخالت در آن، از طریق فیلم هاست. تا جایی که اغلب در مصاحبه ها این ویژگی را یکی از مایه های فخر خود تلقی می کنند. در حالی که توقع امام از آنان ترغیب جوانان به شعور و خودآگاهی سیاسی و حتی ورود به میدان عمل سیاسی است.

امام آموزش و پرورش را نیز از وظایف سینما می دانست:

«سینما یک جایی است که برای آموزش است، برای پرورش است.» (۵۸/۱/۱۶)

از همین رو وقتی ایشان به تمجید از فیلمی چون گاو پرداختند به آموزنده بودن آن اشاره کرده اند.

شاید بتوان با تحلیل محتوای فیلمی چون گاو درباره مقصود امام (ره) از آموزنده بودن، حدس هایی زد. از جمله این حدس ها شاید آن نوع آموزشی باشد که در آن شعار و مستقیم گویی نیست و...

به هر حال آن چه از امام (ره) در زمینه سینما باقی مانده مجال بررسی بیش تری را می طلبد که باید با همت سینماگران، محققان و اندیشمندان به ثمر خواهد بنشیند.



پښتونستان ښار علمي او مطالعاتي مرکز
پرتال جامع علوم انساني